# مقدمه

مطالب صاحب کفایه و تقسیمات بیان شد. بنا بر قول به جواز و اینکه فعل توصلی باشد، امر دارد و عمل، مصداق مأموربه است گرچه فرد همزمان عصیان نیز مرتکب شده است.

# نظر آخوند خراسانی

بنا بر قول به امتناع و تقدیم جانب امر، امتثال شده و عمل به مجمع صحیح است و عصیان نشده است؛ اما بنا بر ترجیح نهی، آخوند آن را دو قسم کرده است در توصلیات ملاک، کشف می­شود و در تعبدیات سه قسم است:

1 ـ مکلف التفات به حرمت دارد، پس عمل درست نیست و باطل است.

2 ـ در صورت جهل تقصیری عمل باطل است زیرا فرد عذر شرعی ندارد.

3 ـ در صورت جهل قصوری، فرد تقصیری ندارد در این صورت، باید بررسی شود که آیا عبادات درست است یا خیر؟ این مورد محل بحث است.

صاحب کفایه فرمودند علی‌الاصول باید گفت فرد معذور است ولی نمازش باطل است زیرا نهی دارد و چیزی که نهی دارد، نمی­تواند مقرِّب به خدا باشد.

مشهور بر این باورند که در صورت امتناعی شدن و نهی را مقدم داشتن، مشهور عمل را درست و صحیح می­دانند زیرا ملاک امر بلکه خود امر وجود دارد. تقدم نهی و انتفای امر، مشروط به دانستن است در مانحن‌فیه فرد جاهل است.

# خلاصه بحث

سه قول و نتایج هر قول را در کلام آخوند خراسانی ملاحظه نمودید، قول اول و دوم عمل را صحیح می­دانستند اما در قول سوم در توصلیات درست است، عبادات با جهل التفاتی باطل است و با جهل قصوری صحیح است. هر یک از کلمات آخوند مورد مناقشه قرار گرفته است.

# ملاحظات

در جهل قصوری (علی‌رغم امتناعی شدن و تقدیم نهی)، اشکال شده است:

## اشکال خویی

مرحوم خویی دو اشکال کرده است:

### اشکال اول:

 وجهی که آخوند فرمودند به اینکه، امر ندارد اما ملاک امر هست زیرا معذور است؛ به نظر ما اشکال خویی در اینجا درست است.

خویی می­فرماید: راه‌یابی به ملاکات احکام دو راه دارد:

1 ـ از طریق وجود امر از ملاک آگاه می­شویم، هر جا امر باشد، ملاک حکم نیز است و اگر امر نباشد، ملاک نیست؛ به‌خصوص در عبادات غیر از امر برای کشف ملاک راهی نداریم. در مانحن‌فیه، نهی مقدم شده است، امری در کار نیست؛ به چه دلیل ملاک امر وجود دارد؟ و راهی برای کشف ملاک نداریم.

البته بعض الملاک و ملاک شأنی را می­توان به دست آورد و ما می­دانیم که فرد از روی حسن نیت عمل را انجام می­دهد اما تمام ملاک وجود ندارد اما تمام ملاک یعنی اینکه مقتضی باشد و مانع نباشد، در این مورد چنین نیست. بیان آخوند به استحسان و تخمین نزدیک‌تر است. راه کشف ملاک وجود الامر و النهی است.

2 ـ راه دیگر کشف ملاک، این است که قطع به وجود ملاک پیدا کنیم اما این مورد در عبادات سخت است، گرچه در توصلیات راه دوم باز است.

### اشکال دوم:

در مورد موضوع بحث باید دانست که امر وجود دارد زیرا «نهی بوجوده الواقعی مزاحم امر نیست بلکه نهی منجّز شده مزاحم امر است» و اینکه امر تابع مصالح واقعیه یا تابع مصالح واصله است، باید دانست که وصول شرط است. امر تابع مصالح واصله است.

احکام تابع جهات واقعیه است؛ نمی­توان گفت امر وجود دارد اگرچه آن را ندانید. در این بیان آخوند نوعی تصویب است. عدم امر به خاطر وجود واقعی نهی است. در ظاهر امر نباشد و علم نداشتن موجب وجود امر شود، این نوعی تصویب است. عدم امر به خاطر نهی واقعی نیست بلکه به خاطر نبود نهی ظاهری است، در این صورت با عدم علم، نهی است.

# ملاحظه استاد

## تقریر اول

اشکال دوم مرحوم خویی بر آخوند وارد نیست زیرا لازمه بیان آخوند تصویب نیست؛ زیرا بحث در تمانع دو حکم است و چون نمی‌دانید (جهل) پس امر هست، درحالی‌که تصویب آن است که در مثال شرب خمر، حرمت شرب خمر هست اگر علم به آن داشته باشید و در مانحن‌فیه چنین نیست.

## تقریر دوم

ممکن است که بدون توجه به تصویب، گفته شود، وجود امر تابعی بشود از نبود واقعی وجود نهی، در این صورت اشکال بر آخوند وارد است. باید دید «وجود واقعی نهی» مانع امر است یا «وجود علمی» آن؛ آخوند وجود علمی را مانع می­داند ولی خویی وجود واقعی نهی را مانع می­داند. در این تقریر در عین اختلاف در مشرب، اشکال خویی بر آخوند وارد است زیرا وجود واقعی نهی با امر مزاحم است و شمول دارد نسبت به مورد بحث.

### اشکال سوم

اشکال سوم در کلام نائینی است که در جلسه آینده بحث می­شود انشاء الله.